

## بررسی فرهنگ و آداب و رسوم مردم ایران و افغانستان با تکیه بر شعر فارسی

سید محمد رضی خردمند<sup>۱</sup>

مرضیه دهقان<sup>۲</sup>

### چکیده

ایران و افغانستان به دلیل قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم، پیوندگاه تمدن های بزرگ جهان و کانون مسلط فرهنگی و سیاسی در آسیا بوده اند. این دو ملت زبان مشترک دارند. زبان وسیله ای است آوایی که ایجاد ارتباط از طریق آن صورت می گیرد. همچنین قالبی است برای اندیشیدن چون اندیشیدن نوعی سخن گفتن است. ادبیات هم سخن است، سخنی تاثیرگذار و رسا که خود شاخه مهمی از فرهنگ هر ملت است و نقش ارزنده ای در حفظ، گسترش و انتقال فرهنگ دارد. بخش عمده ای از آثار ادبی این دو ملت به زبان فارسی است. این پژوهش به شیوه توصیفی به بررسی اشعار فارسی شاعران نامدار دو ملت همچون فردوسی، مولانا، حافظ، قنبر علی تابش، سید نادر احمدی، سید حکیم بینش، محمد خلیل خلیلی و دیگر شاعران فارسی زبان پرداخته که بسیاری از اشتراکات فرهنگی را نمودار ساخته است. این دو ملت در بسیاری از نمودهای فرهنگی از جمله برگزاری مراسم عید نوروز، آیین ماه نو، موسیقی، زیارت، اعتقادات مذهبی بسیار به هم نزدیک هستند که برای دو کشور بستری مناسب برای ارتباط متقابل و سازنده خواهد بود.

واژگان کلیدی: آداب و رسوم، افغانستان، ایران، شعر، فرهنگ

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه

seyed.razi.kh@gmail.com

<sup>۲</sup> دانش آموزخته زبان و ادبیات فارسی

## مقدمه

فرهنگ و ادبیات عامه هر کشور پیوسته در دادوستدی دائمی یکدیگر را تقویت می کنند. ادبیات غنی نشان دهنده فرهنگ غنی است و بالعکس. « فرهنگ نظامی منسجم و متشکل از ارزش‌ها، باورها، اعتقادات، آداب رسوم و میراث فرهنگی مشترک بین اعضای جامعه است که از نسلی به نسلی دیگر منتقل می شود و موجبات رشد و تعالی انسان‌ها را فراهم می کند». (یاوری، ۱۳۸۸: ۱۴) ادبیات جمع ادبیه و منسوب به ادب است و ادب به معنای فرهنگ، دانش، هنر و حسن معاشرت و ... به کار رفته است. (طغیانی و جمالی، ۱۳۹۳: ۱)

ادبیات که خود شاخه مهمی از فرهنگ هر ملت است در حفظ موارث فرهنگی نقشی به سزا دارد، چون آینه ای تمام نماست که بسیاری از حوادث، مسائل علمی، فرهنگی و هنری را در دل خود جای می دهد. ادبیات بخش مهمی از فرهنگ سیال است. تعامل فرهنگ و ادبیات دائمی است که سبب تکامل یکدیگر می شوند. (طغیانی و جمالی، ۱۳۹۳: ۲)

ادبیات مانند همه علوم انوعی دارد که از لحاظ شکل و ساختمان تقسیماتی برای آن در نظر گرفته شده است. یکی از این تقسیمات شعر، داستان و نمایشنامه است. شعر حاصل تفکر، اندیشه، احساس و عاطفه و تخیل با زبانی آهنگین است که تحت تاثیر فرهنگ و نگرش ملت هاست. بررسی اشعار در حوزه ادبیات می تواند بسیاری از آداب و رسوم، باورها، اعتقادات، حوادث، شیوه زندگی و اندیشه یک ملت را روشن سازد. همانطور که در یک جامعه هر چه افراد از لحاظ فرهنگی به یکدیگر نزدیک تر باشند برقراری رابطه آنها در جهات مختلف با موفقیت بیشتری همراه است. تاثیر فرهنگ مشترک میان ملت ها که با هم زبانی و هم فکری توأم می باشد در ایجاد ارتباط در معادلات جهانی رو به گسترش است مدت هاست که دوران سیطره قدرت سخت سپری شده و در جهان مدرن و پسا مدرن آنچه بیش از هر عامل جهت و روند امور را در میان دولت ها و به خصوص ملت ها تعیین می کند نمود های فرهنگی، قدرت اندیشه، گفتگو، قلم، درک متقابل و ارتباطات انسانی است. نیل به مقاصد سیاسی، امنیتی و اقتصادی انگیزه ایجاد ارتباط میان کشور هاست که برای تحصیل این مقاصد رویکرد های نسبتا جدیدی در دیپلماسی مطرح شده که توجه افزون تر و تاکید بیشتر بر راهکارها و ابزارهای

فرهنگی را به مسئولان و طراحان سیاست خارجی توصیه می نماید. اشتراکات فرهنگی به صورت «قدرت نرم» نقش بسیار موثر در دیپلماسی فرهنگی کشورها دارد. (صالحی امیری، محمدی، ۱۳۹۵) این پژوهش با تکیه بر شعر فارسی شاعران ایرانی و افغانستانی سعی دارد اشتراکات فرهنگی میان دو این ملت ایران را نمایان سازد و این اشتراکات فرهنگی می تواند باعث ایجاد شناخت مشترک شود و موجبات توسعه روابط فرهنگی را فراهم آورد.

## ۲- بحث و بررسی

تحولات در عرصه بین الملل در دهه های اخیر نشانگر این واقعیت است که نقش اشتراکات فرهنگی در ایجاد ارتباط در معادلات جهانی رو به گسترش و به موازات آن نقش دولت ها در این رابطه رو به کاستن است و این اشتراکات به صورت قدرت نرم نقش بسیار موثر در دیپلماسی فرهنگی کشورها دارد. کاربرد شیوه های گذشته در زمینه دیپلماسی جوابگوی نیازهای کنونی در توسعه روابط با کشورها نمی باشد. تاکید بر عناصر مشترک یا قرابت های فرهنگی شامل حوزه تمدنی، حوزه جغرافیای فرهنگی که جشن نوروز و زبان فارسی و باورهای فرهنگی و احترام متقابل و ترویج فرهنگ تعامل و مدارا است. همچنین دیپلماسی فرهنگی سبب بهبود روابط و پیشبرد منافع ملی ملت ها می شود. ادبیات به معنای واقعی یک زبان مشترک جهانی است که از طریق آن فرهنگ، احساس، اندیشه بشری ترویج و به نسل های بعد منتقل می شود. بررسی شعر در حوزه ادبیات نمودی واضح از فرهنگ ملت هاست و بررسی آثار شاعران ایران و افغانستان نمودهای مشترک فرهنگی دو ملت را در زمینه های زیر نمودار ساخت:

### ۲-۱- پاسداشت فرهنگ و زبان فارسی

مردم ایران و افغانستان به حفظ فرهنگ و زبان فارسی علاقه ویژه ای دارند و این مسئله در اشعار شاعران ایران و افغانستان نمود پیدا کرده است چنان که فردوسی شاعر حماسه سرای خراسان در تلاشی که در جهت حفظ زبان فارسی در برابر هجوم اعراب و تسلط آنان بر ایران نموده بدین ترتیب در شاهنامه آورده است:

بسی رنج بردم در این سال سی

عجم زنده کردم بدین پارسی (جوینی، ۱۳۸۸: ۳۵)

شاعر افغان عبدالقهار عاصی که در ولایت پنجشیر به دنیا آمد و در اثر اصابت راکت به خانه اش به شهادت رسید. او یکی از محبوب‌ترین و مشهورترین چهره‌های شعر افغانستان بود و کتاب مقامه گل سوری، لالایی برای ملیمه، دیوان عاشقانه‌ی باغ، غزل من غم من تنها ولی همیشه، از جزیره خون و از آتش ابریشم اثر اوست. در شعری به نام پارسی آورده است:

گل نیست، ماه نیست، دل ماست پارسی  
از آفتاب معجزه بر دوش می کشد  
غوغای گه، ترنم دریاست پارسی  
رو بر مراد، روی مزد است پارسی  
(قاسمی، مودب، ۱۳۹۱: ۲۱۵)

## ۲-۲- قهرمانان ملی

علاقه مردم افغانستان به فرهنگ و آداب مردم ایران در شعر شاعران افغان نمود پیدا کرده است.

آنها در شعرشان نام شاعران ایرانی و شخصیت های اساطیری و افسانه‌ای آثار ادبی را آورده‌اند و به بسیاری از حواث تاریخی و اعتقادات مذهبی اشاره کرده‌اند. قنبرعلی تاش از شاعران افغان که در ولایت غزنین به دنیا آمده و از پیشگامان شعر مهاجرت است که علاوه بر تحصیل در حوزه علمیه دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی نیز می باشد. او در حال حاضر ساکن شهر قم و چشم و چراغ شاعران جوان مهاجر این شهر است. مجموعه شعر های دور تر از چشم اقیانوس، آری پرنده نیست، یک شعله نو بهاران، دل خونین انار و آثار تحقیقی چشم انداز شعر امروز افغانستان و مشرق گل های فروزان از آثار منتشر شده این شاعر هستند. در شعر محضر گل چنین آورده است:

نه کلک مانی، نه نقش ارژنگ، نه شعر جامی، نه رقص رومی

نه شور بهزاد کز دو کلکش، هرات در اصفهان کند گل (قاسمی، مودب، ۱۳۹۱: ۸۷)

اشاره به مانی و نقاشی او، جامی شاعر نامدار، مولانا و بهزاد نشان و علاقه شاعر به فرهنگ تاریخ و ادب ایران دارد.

و محمد عاصف جوادی شاعر دیگر افغان آورده است:

چرا غمگینی ای شاعر! بنوش از جام مولانا

فراتر از بد و از نیک این دوران تنهایی (قاسمی، مودب، ۱۳۹۱: ۱۱۸)

محمد شاه واصف باختری از شاخص ترین چهره های شعر معاصر افغانستان که در بلخ به دنیا آمده و لیسانس زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه کابل و کارشناسی ارشد در رشته آموزش و پرورش را از دانشگاه کلمبیای نیویورک کسب کرد و بسیاری از شاعران مطرح افغانستان در کلاس او درس آموختند و هم اکنون ساکن آمریکاست و مجموعه اشعار زیادی از وی به چاپ رسیده است او در شعر خود آورده است:

که گفته است که این شهر جامه دوزان است؟

لباس زال، سزاوار پیکر پاکش بادا! (قاسمی، مودب، ۱۳۹۱: ۶۲)

سید علی رضا جفری در شعر چراغان از رستم و سهراب پهلوانان شاهنامه فردوسی بهره برده است:

به رستم ها بگو سهراب ها دیگر نمی میرند  
دوای دردهای سخت بی بهبود می آید

(قاسمی و مودب، ۱۳۹۱: ۹۶)

### ۳-۲- یادکرد شعرا

قنبر علی تاش در شعر محضر گل به شاعر بزرگ، سنایی اشاره کرده است:

اگر دوباره چنان سنایی قدم نهادم به شعر و عرفان

ز چرخش رقص واژه هایم بشر به هفت آسمان کند

(قاسمی، مودب، ۱۳۹۱: ۸۷)

عنایت الله شهیر زاده بلخ و دانش آموخته دانشکده ادبیات دانشگاه بلخ که ساکن مزار شریف است در شعر آرا سروده است:

حافظ همیشه طبق دلت حرف می زند  
یک بار نیز سر به غم شاملو بزن  
(قاسمی، مودب، ۱۳۹۱: ۲۱۰)

سیدنادراحمادی یکی دیگر از شاعران افغان به علم و علم گردانی در مراسم محرم اشاره کرده است:

سخت پیچیده به خود جامه بیتابی را  
علم ماه محرم شده گویا انسان  
نیست یک مرد بگوید گره کار کجاست  
یاچرا مانده دراین دایره تنها انسان  
(قاسمی و مودب، ۱۳۹۱: ۴۴)

سیده تکتم حسینی در شعرش به نام تماشا آورده است :

نسیمی از شمال شرق، از بلخ ام تماشا کن  
که رقصی مولوی تر از غزل های تو آوردم (قاسمی، مودب، ۱۳۹۱: ۴۴)

#### ۴-۲ - باورهای مذهبی

حسن حسین زاده از اولین های شعر مهاجرت که در هرات به دنیا آمده در شعر پنجره فولاد خود به اعتقاد مذهبی ایرانی ها و تقدس پنجره فولاد امام رضا (ع) اشاره کرده است:

آمده ام باز از این پنجره فریاد شوم  
و دخیل تو - من این همه ایراد - شوم  
آدم چرخ زخم، چرخ ، به دور حرمت  
تا به اندازه ی دلدادگی باد شوم  
میشود جرعه ای از حوض طلایت نوشم

سبزتر گردهم و این مرتبه شمشاد شوم  
برمزارم دست از پنجره ی فولادت  
تا که ماندش تبدیل به فولاد شوم (قاسمی، مودب، ۱۳۹۱: ۱۲۸)

و همچنین شهبازایرج دانش آموخته دانشکده ادبیات بلخ سروده است:  
امید خاک، اوج ثریا محمد است  
دروازه ای به سوی بالا محمد است (قاسمی، مودب، ۱۳۹۱: ۵۸)

محمد بشیر رحیمی زاده متولد ولایت بلخ سروده است:  
جز با علی نمی گذرد روزگار ما  
از توست، از تو، هر چه که دار و ندار ما (قاسمی، مودب، ۱۳۹۱: ۱۶۸)

#### ۲-۵- زیارت

از رسوم مذهبی که بین مردم ایران و افغانستان رایج است زیارت مرقد امامان و امام زادگان است و سعی مردم در زیارت این است که به نزدیک قبور متبرکه بروند و جهت تبرک دستان خودشان ضریح مطهر آنان را لمس کنند و تکریم و احترام نمایند. سید حکیم بینش متولد شهر بامیان شاعر مهاجر افغان، دارای مدرک لیسانس در رشته شیمی محض از دانشگاه اصفهان که هم اکنون ساکن مشهد است و در رادیوی این شهر مشغول به کار است شعری با عنوان زیارت سروده است که بیانگر رسم زیارت و آداب آن در ملت افغانستان است و این شعر به خوبی نشان می دهد که در این امر نیز نزدیکی زیادی میان دو ملت وجود دارد و در شعر وی آمده است:

از مرز تایباد کسی رد نمی شود؟

امروز نیز ره پدر سد نمی شود؟

در ساک خویش دغدغه اش را گذاشته

پوشیده کفش خویش و مردد نمی شود

می گفت دستم را به ضریحش رسانده است  
اما ضریح را که نبوسد نمی شود  
در پاسخ «بگیر بگیر است شهر» می گفت:  
آقا طلب کند نروم بد نمی شود؟ (قاسمی، مودب، ۱۳۹۱: ۸۲)

## ۶-۲- آیین نوروزی

نوروز و جشن‌ها و آداب و رسوم آن که مصادف با فرارسیدن بهار و رستاخیز طبیعت است ذهن خلاق و طبع لطیف شاعران ایرانی و افغان را متأثر ساخته و آنها را به سرودن شعرهای شاد و زیبایی واداشته است. به روایت شاهنامه فردوسی بنیان‌گذار جشن نوروز که جشنی مشترک میان مردم ایران و افغانستان است. جمشید یکی از پادشاهان قدیم ایران است. وی در ابتدا جم یعنی سلطان و پادشاه بزرگ نام داشت. سبب جمشید نامیدن آن شد که چون او در عالم سیری کرد چون به آذربایجان رسید روزی بود که آفتاب به نقطه حمل رسیده و بهار آغاز شده بود دستور داد که تخت مرصعی را در جای بلند گذاشتند و تاج جواهرنشان بر سر نهاد و بر آن تخت افتاد شعاعی در نهایت روشنی پدید آمد و چون به زبان پهلوی شعاع و انوار را نوراشید میگویند این لفظ را برجم افزودند و وی را جمشید گفتند یعنی پادشاه روشن و در آن روز جشنی عظیم برپا کردند و آن روز را نوروز نامیدند. (مهاری، ۱۳۸۸: ۱۲۸) نوروز از قدیمی ترین جشن‌های زنده جهان و بزرگترین و قدیمی ترین جشن زنده ایرانیان است قدمت آن به گونه‌ای است که نتوانسته اند تاریخی برای پیدایش آن تعیین کنند. مردم ایران از روزگاران کهن جشن نوروز را از اعیاد دیگر عزیز و محترم‌تر می‌شمردند و مرام مربوط به آن را به دقت به جا می‌آوردند. (میرنیا، ۱۳۶۹: ۲۸) نمونه‌ای از اشعار ایران و افغان که به نوروز و به آداب و رسوم آن پرداخته اند ذکر میگردد:

محمدآصف جوادی شاعر افغان شعر زیبایی در وصف نوروز سروده است:

نوروز شد که بار دگر سال ، نو شود



تقویم های خسته و بی حال ، نو شود (قاسمی و مودب، ۱۳۹۱: ۱۱۹)  
نزدیک سال نو در همه خانه های ایرانی سفره هفت سین چیده می شود البته در بعضی  
از کشورها نظیر افغانستان ، تاجیکستان و ... نوروز عید رسمی آنان است. محمد آصف  
جوادی در شعر خود به رسم انداختن سفره هفت سین و قراردادن ماهی و آب و آینه  
در آن که از آداب رسیدن نوروز است در شعر خود آورده است :

با هفت سین و ماهی و آب و آینه

با ذکر یا محول الاحوال نوشود

اسدالله عقیف باختری از شاعران افغان متولد مزارشریف که در دانشگاه بلخ و کابل به  
تحصیل در رشته زراعت پرداخته اما در اثر مشکلاتی که حکومت کمونیستی برایش ایجاد  
کرد تحصیلاتش را ناتمام گذاشت و مجموعه های شعر سنگ و ستاره، آوازهای  
خاکستری، من بازبان دریا و با یک پیاله چای چطوری عزیزمن را منتشر کرده است. او  
در شعر نوروزی خود چنین آورده است :

یرای باغ جه ارمغان آورده نوروز؟

ز پشت نرده صدا کرد: «باغبان» نوروز

به قاب دیده شبیه فرشتگان نوروز

سپرده زلف خودش را به اختیار نسیم

نشسته چشم به راه مسافران نوروز

فرشته! مژده بیاور برایمان نوروز

چراغ خانه مارا دوباره برافروز

ستاره هدیه بیاور از آسمان، نوروز! (قاسمی و مودب، ۱۳۹۱: ۲۲۸)

تبریک فرا رسیدن عید سال نو از مشترکات ملت ایران و افغانستان است. حکیم فرخی  
سیستانی در شعر شعر تهنیت عید چنین سروده است:

عید فرخ باد بر شاه جهان

جاودانه شادمان و کامران

نعمتش پیوسته و عمرش دراز

دولتش پاینده و بختش جوان  
ایزد او را یار و دولت پیشکار  
او به کام دل مکین اندر مکان  
جز برای او متاباد آفتاب  
جز به کام او مگرداد آسمان (دبیرسیاقی، ۱۳۷۱: ۱۶۵)

#### ۷-۲- سبزه به در

روز سیزدهم فروردین که پایان جشن نوروز هم محسوب می شود از جشن‌هایی است که بین مردم ایران محبوب و در تقویم رسمی به روز طبیعت معروف است. صالح محمد خلیق شاعر افغان دانش آموخته زمین‌شناسی و رئیس اداره اطلاعات و فرهنگ ولایت بلخ است او دارای مجموعه شعر های متعدد از جمله سلام به آفتاب، کاج بلند سبز، جشن‌های آریایی، و ... است و در شعری با عنوان سبزه به در سروده است:

نازنین! شعر اولین سفرت  
می فشانید زر به رهگذرت  
سبزه می رست هی به دور و برت  
سبزه بر روی سنگ ها حتی  
بهر گل گشت سبزه به درت

(قاسمی و مودب، ۱۳۹۱: ۱۵۸)

در سبزه به در مردم به دامان طبیعت می روند و با رسوم خاصی سبزه به در را جشن می گیرند. سبزه گره زدن یکی از این رسوم است که جوانان برای گشایش بخت این کار را انجام می دهند و در افغانستان معتقدند که برای شگون سبزه های نو رسته را زیر پا لگد می کنند که این نکته را خلیق در شعرش بیان کرده است:

از کجا تا به نا کجا با من  
من سرگشته، گشته، در به درت  
رفتن مان به جشن سبزه لگد

(قاسمی و مودب، ۱۳۹۱: ۱۵۸)

لحظه های اسیری چکرت

## ۸-۲- علوم غریبه

شاعران ایرانی و افغان به کاربرد احکام نجومی و اصطلاحات مربوط به علم نجوم در اشعار خود پرداخته اند و به تاثیر ستارگان و حرکت آنها و قرار گرفتن آنها در بروج مختلف در سرنوشت و تقدیر اعتقاد دارند. چنانچه ابوعلی سینا حکیم و دانشمند ایرانی علوم غریبه را رد نکرده است. (ملکشاهی، ۱۳۶۳: ۴۹۰) رفیع جنید شاعر افغانی متولد هرات که هم اکنون ساکن آمریکاست و مجموعه‌های سنگ‌های آتش زنه و همچنین رمان «بی راوی» از آن اوست و در شعر عقرب آورده است:

صبر کن تا بنشینند ز تقلأ عقرب

ساعتی تیغ مزن آهور محرابی را

که گرفته است همه طالع ما را عقرب

پیر دل دوز تو هر چند که از دل بهتر

باز هم بر سر این کشته پیاشا عقرب (قاسمی و مودب، ۱۳۹۱: ۱۱۲)

عنصری در شعر خود آورده است:

فرو گذشت به آموی شهریار جهان

به فال اختر نیک و نه نصرت دادار

## ۹-۲- آداب و رسوم

ایرانیان و افغانستانی‌ها برای روزهای خاص مانند تولد، ازدواج، و... اهمیت خاصی قائل هستند و جشن‌های خانوادگی برگزار می‌کنند. صادق عصیان در شعری به نام اشک و لبخند سروده است:

زادروز تو مبارک، نفس ناز پدر

ماهی کوچ دریای پر خوف و خطر

خانه از هلله و شور تو لبریز شده ست

اشک تو لبخند تو آمیخته با شیرو شکر (قاسمی و مودب ۱۳۹۲: ۲۲۶)

محمد حسن سعیدی شاعر افغان متولد غزنی صاحب مجموعه «غم عزیز» در شعری به عنوان ارمغان پیدایش که برای فرزندش زکریا در پانزدهمین سالگرد تولدش سروده:

بگذار جان پدر تا دنیا به دنیا بماند

این پست عنصر از این جاست، بگذار تا این جا بماند

همیان جان را به رندی پر مهر و هوش و خرد کن

سرمایه این است دل بند! کز قطره دریا بماند

در زادروزت ندارد جز شعر و شرم ارمغانی

چشمت مبادا به دست درویش بابا بماند (قاسمی و مودب، ۱۳۹۲: ۱۹۵)

در فرهنگ ایرانی، اسپند دود کردن یکی از سنت‌هایی است که برای دفع بلا و چشم زخم به کار می‌رود. البته شاید فاقد جنبه علمی باشد ولی از گذشته معتقد بودند که اسپند دود کردن فوائد زیادی دارد و این رسم در بین مردم افغانستان رایج است. خانم صدا سلطانی شاعر خوش قریحه بلخ که متولد مزار شریف و مدتی در ایران و پاکستان مهاجر بوده است. مجموعه‌های شعر «گوشواره‌های عاشق» و رابطه‌های دودی از آن اوست در شعری با عنوان «مال مردم»، سروده است:

باز هم موهای من صد خوشه گندم می‌شوند

دست‌های مادرم تا بین شان گم می‌شوند

مادرم می‌گوید اسپند دودم می‌کند:

«حیف دخترها که مال مردم می‌شوند» (قاسمی و مودب، ۱۳۹۱: ۱۹۸)

یکی دیگر از رسوم که در بین مردم ایران رواج دارد فال گرفتن و تفال به دیوان حافظ در شب یلداست. علاوه بر دیوان شعرا بعضی فال‌نامه‌ها هست که در موقع لزوم به آن مراجعه می‌کنند. که این رسم در بین مردم افغانستان نیز وجود دارد چنانچه محمد سعیدی شاعر افغان در شعر محاق خود آورده است:

فال مزن، عشق، سرنوشت من و توست

فال، چه جنت افتد و چه طاق بیفتد  
آرزوی تیره بخت نه این است  
(قاسمی و مودب، ۱۳۹۱: ۱۹۶)

حسین حیدریگی یکی از شاعران مهاجر افغان که علاوه بر شعر، قلمی در داستان نیز دارد در شعری به نام فال سروده است:  
با من بخوان یک جرعه از شرقی ترین آوا  
در رقص هند و گوشه تار خراسانی  
حالا تمام باغ ها لبریز پائیزند  
فالی بزن با من بگو آیا  
گردم رها از این همه سر در گریبانی  
(قاسمی و مودب، ۱۳۹۱: ۱۵۴)

عنصری هم آورده است:  
به فال اخیر نیک، به نصرت دادار  
فروغ دولت او همچو روز وقت زوال  
(قاسمی و مودب، ۱۳۹۸: ۱۸۰)

#### ۱۰-۲- هنرها

##### هنر دباغی و چرم‌گری

مردم ایران و افغان از هنر دباغی برای کسب درآمد و همچنین تولید پاپوش، پوستین، کلاه، جلد کتاب، زین، و ... بهره می‌برند. این نکته در بیتی از اشعار خاقانی، که هنر دباغی در میان ایرانیان رایج بود آمده است:  
نافه را کیمخت رنگین سرزنش‌ها کرد و گفت  
نیک بدرنگی، نداری صورت زیبای من (ماهیار، ۱۳۸۹: ۴۹)

مولانا در یکی از اشعارش آورده است:

آن یکی دباغ در بازار شد

تا خرد آنچه ورا در کار بد (اوجبی، ۱۳۹۴: ۱۳۲)

**نظامی چنین سروده است:**

مشکی از آب کرده پنهان پر در خریطه نگه داشت چون در (سرمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۱)

#### ۱۱-۲- هنر موسیقی و آهنگسازی

از دیر باز مردم افغانستان مانند مردم ایران به نواختن موسیقی و آهنگ سازی و ساختن آلات موسیقی توجه خاص داشته‌اند و مورد علاقه آنها بوده است. ظهور و توسعه پدیده موسیقی و آهنگ‌سازی به سبک روستایی و محلی که بازتاب احساسات ناب و زلال مردمی است، مربوط به گذشته های خیلی دور و دراز می‌شود و نمی‌توان برای آن تاریخ و زمان مشخص تعیین نمود ولی به هر حال وجود موسیقی و سرایندگی به مثابه یک حقیقت فرهنگی در اعماق قلوب و احساسات مردم هزاره لانه باز نموده است و تا حد توانایی و دست دادن امکانات و شرایط مساعد رشد کرده است و البته با حضور یک سری موانع پایه سنگلاخ خورده است. این هنر در بستر زمان افتان و خیزان جرقه‌ها و روشنایی‌هایی داشته، ولی تنها نقض عمده در مورد، نبودن امکانات، عدم تشویق، سمت-دهی این هنرها به مجاری مثبت و اتفاقات مذهبی، این موارد باعث گردید که شاعران و هنروران آهنگ‌ساز هیچ علاقه‌ای به تبارز آن نشان نداده و تنها گاهی و آن هم بسیار محدود و همراه با قید بندها بال و پر بگشایند با وجود این همه عوامل هنر موسیقی و آهنگ‌سازی مسیر رشد و بالندگی خود را کماکان حفظ و احیا نموده است. (علیدادعلی، ۱۹۸: ۱۳۷۲)

شاعران ایرانی و افغان در شعر خود به این موضوع اشاره کرده‌اند و انواع ساز را در اشعار خود آورده‌اند چنانچه خاقانی در قصیده صبح خیزان آورده است:

چنگ همچون جره ازرق و کبکان بزم

دل بر آن ازرق وش بلبل فغان افشاند  
پس بر آن مجلس که بر تربیع منقل کرده اند  
اولین تثلیث مشک و عود و بان افشاند (ماهیار، ۱۳۸۵: ۲۶۸)  
و در دیوان خاقانی آمده است:

از عکس می مجلس چنان چون باغ زرین در خزان  
باغ از دم رامش گران مرغان گویا داشته  
داود صوت انده زدای، الحان موسیقی سرای  
ادریس دم صنعت نمای، اعجاز پیدا داشته  
بر بط کشیده رگ برون رگ هاش پالود خون  
ساقی با طاس زر درون خون مصفا داشته

و آن، چنگ گردون فش سرش، ده ماه نو خدمتگرش  
ساعات روز و شب درش، مطرب مهیا داشته  
نای از دو آتش باد خور، نی طوق و نارش تاج سر  
باد و نی و نارش نگر هر سه زبان نداشت (سجادی، ۱۳۵۷: ۳۸۳)

در ایران از قرن چهارم تا نهم هجری موسیقی وضعیت خوبی داشته است. اغلب دانشمندان و فلاسفه در کتاب‌ها و رسالات خود مبحثی را به موسیقی اختصاص داده‌اند. از آن جمله ابونصر فارابی، بوعلی سینا، قطب الدین شیرازی و... حکیم نظامی گنجوی در منظومه خسرو شیرین آهنگ‌های منسوب به باربد را به نظم درآورده است. (فخرالدینی ۱۳۹۶: ۱۳۰) آلات موسیقی که در گذشته در ایران و افغانستان نوازنده‌ها به کار می‌گرفتند بسیار متنوع بود.

### ۱۲-۲- آداب صید و شکار

صید و شکار آهو از گذشته در میان ایرانیان و مردم افغان رواج داشته است. شکار آهو یکی از تفریحات سالم و سرگرمی زاید الوصف است، موجودیت کوهستان ها و صخره-های سر به فلک کشیده هزاره جات مقتضی شکار بزکوهی در فصول مناسب است. کسی که بیش از هزار بزکوهی را شکار کرده باشد بدان میر گنج می گویند. (علیدادلعلی، ۱۳۷۲: ۳۱۶)

خاقانی در شعرش آورده است:

در پوست آهو چنبرش آهو سرینی هم برش  
وز گور آهو در برش صید آشکارا ریخته (ماهیار، ۱۳۸۹: ۱۹)

### ۱۳-۲- آیین ماه نو

فرا رسیدن ماه نو و دیدن آن در بین مردم ایران و افغانستان از اهمیت خاصی برخوردار است چنانچه در ایران هنگام نظاره ماه نو اولین کاری که انجام می دهند نظر افکندن به آیه یا آیاتی از قرآن کریم مجید و سپس گذاشتن صدقه است و با دیدن هلال ماه نو قاعده بر آن است که در بعضی مناطق هزاره جات مراسم آمادگی خاص مذهبی گرفته می شود و در درون این آمادگی معنویات کامل در غلیان است و آنگاه که مقارن با روز اول ماه مراسم دعا و نیایش و تصدقات اجرا می گردد و این سنت مذهبی و مردمی با حلول ماه نو انجام می شود. (علیدادلعلی، ۱۳۷۲: ۱۷۹)

حافظ شاعر بزرگ ایران بیت اول یکی از غزل هایش را با این عنوان آورده است:

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو  
یادم از کشته خود آمد و هنگام درو (جربزه دار، ۱۳۶۷: ۳۱۶)



#### ۱۴-۲- وصف بهار

وصف بهار در شعر شعرای ایرانی و افغانستانی جایگاه ویژه ای دارد. رستاخیز طبیعت و زنده شدن جان ها با شور و شوقی همراه است که عواطف و احساسات شاعران را به سرودن اشعار وزین و زیبا وا می دارد. سعدی علیه رحمه سروده است:

برآمد باد صبح و بوی نوروژ

به کام دوستان و بخت پیروز

بوی گل و بانگ برخواست

هنگام نشاط و روز صحراست (خطیب رهبر، ۱۳۷۹: ۶۸)

عفیف باختری شاعر افغانی زاده مزار شریف در شعر زیبایی این گونه آورده است:

زپشت نرده صدا کرد باغبان نوروژ

چراغ خانه ما را دوباره برافروز(قاسمی ومودب، ۱۳۹۱: ۲۳۸)

ضیاء الحق سخا در مورد بهار این گونه سروده است:

سبزینه ی بهاربه بر کرده ای درخت

از چشمه ی گلاب گذر کرده ای؟ درخت (قاسمی ومودب، ۱۳۹۱: ۱۸۴)

حافظ در غزلی زیبا سروده است:

زکوی یار می آید نسیم باد نوروژی

از این باد ار مدد خواهی چراغ دل بر افروزی

زجام گل دگر بلبل چنان مست می لعلست

که زد بر چرخ فیروزه صفیرتخت فیروزی

به صحرا روکه از دامن غبار غم بیفشانی

که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروژی (خطیب رهبر، ۱۳۸۸: ۳۴۴)

## نتیجه‌گیری

کشوری که هم اکنون به نام افغانستان شناخته می‌شود در گذشته‌ای نه چندان دور جزئی از سرزمین بزرگ ایران بوده است. ایجاد مرزهای سیاسی و تشکیل کشور مستقل افغانستان باعث ایجاد مرز فرهنگی میان این دو ملت متمدن نشده است. افغانستان کنونی و مردم آن جزئی از ایران فرهنگی هستند. بررسی آثار شعرای برجسته ایران و افغانستان نشان داد پیوند فرهنگی عمیقی میان این دو ملت وجود دارد. بخشی از نمودهای فرهنگی مشترکی که در شعر شعرای ایران و افغانستان آمده است. مورد بررسی قرار گرفت از جمله برپایی جشن نوروز و اجرای رسومات سال نو، سفره هفت سین، سیزده بدر و دیگر رسوم نوروزی. سنت کهن نوروز و جشن‌های آن در سایر کشورها نیز مورد توجه قرار دارد و سایر ملت‌ها به برپایی آئین سال نو و نوروز همت می‌گمارند. زیارت نیز از مظاهر مشترک فرهنگی و دینی ایران و افغانستان است. احترام به بزرگان دینی و ملی و زیارت قبور آنها از اهمیت بالایی میان این مردمان برخوردار است. از آن جایی که این دو ملت مسلمان هستند، قرآن کریم در میان آنها ارج و قرب بالایی دارد. آنها در امور مهم زندگانی و تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز به قرآن کریم رجوع می‌کنند. تار و پود زندگی این دو ملت با هنر پیوند خورده است. این دو ملت را در دنیا به هنرمندی، هنردوستی، هنرپروری می‌شناسند. موسیقی و دباغی از جمله هنرهای مشترک این دو ملت است. البته باید اشاره داشت مظاهر مشترک فرهنگی زیادی بین ملت ایران و افغانستان وجود دارد که بخشی از آنها با تکیه بر شعر فارسی در پژوهش حاضر بررسی شد. زبان فارسی به عنوان زبان مشترک این دو ملت سبب تعمیق فرهنگی میان آنها گردیده است. زبان و ادبیات فارسی بستری است که می‌توان بخش عظیمی از مظاهر مشترک فرهنگی دو ملت را جستجو کرد. فرهنگ ایرانی فرهنگی است زنده و پویا و فقط به مرزهای حاکمیتی کشور ایران محدود نمی‌شود و آثار فرهنگ ایرانی را می‌توان در بسیاری از نقاط دنیا یافت.

منابع:

- انجیز، علیدادلعلی، (۱۳۷۲)، *سیری در هزاره جات*، قم، ناشر: احسانی
- اوجبی، علی، (۱۳۹۴)، *قصه ها و حکایات مثنوی*، تهران، ناشر: وایا
- براوان، ادوارد، ۱۳۷۵، *تاریخ ادبیات ایران مترجم: بهرام مقدادی*، قم، ناشر: مروارید
- پیرنیا، سیدعلی، (۱۳۶۹)، *فرهنگ مردم*، تهران، ناشر: پارسا
- سرمدی، مجید، (۱۳۸۹)، *هفت نگار آسمانی*، تهران، ناشر: علمی
- صالحی امیری، سید رضا و محمدی، سعید، (۱۳۹۵)، *دیپلماسی فرهنگی*، تهران، نشر: ققنوس
- جعفری، محمد، (۱۳۹۴)، *درآمدی بر فولکلور ایران*، تهران، ناشر: جامی
- جوینی، عزیزالله، (۱۳۸۸)، *شاهنامه*، تهران، ناشر: موسسه انتشارات دانشگاه تهران
- خطیب رهبر، خلیل، (۱۳۸۸)، *دیوان غزلیات حافظ شیرازی*، تهران، ناشر: صفی علیشاه
- دبیرسیاقی، محمد، (۱۳۶۳)، *دیوان عنصری بلخی*، تهران، ناشر: کتابخانه سنایی
- دبیرسیاقی، محمد، (۱۳۷۱)، *دیوان حکیم فرخی سیستانی*، تهران، ناشر: گلشن
- زنده دل، حسن، (۱۳۸۷)، *مراسم اقوام ایرانی*، تهران، نشر: ایرانگردان
- طغیانی، اسحاق، جمالی، فاطمه، (۱۳۸۷)، *گزیده سخن پارسی و دانش های ادبی*، تهران، ناشر: آگاه
- فخرالدینی، فرهاد، (۱۳۹۶)، *تجزیه و تحلیل شعر و ردیف موسیقی ایران*، تهران، ناشر: معین
- قاسمی، سید ضیا، مودب، محمدعلی، (۱۳۹۲)، *درختان تبعیدی*، تهران، ناشر: شهرستان ادب
- کاظمی، محمد کاظم، (۱۳۹۸)، *شعر پارسی*، مشهد، ناشر: سپید باوران
- ملکشاهی، حسن، (۱۳۶۳)، *ابوعلی سینا الاشارات و التنبیها*، تهران، ناشر: سروش
- ماهیار، عباس، (۱۳۸۵)، *سحر بیان خاقانی*، کرج، ناشر: جام گل
- ماسه، هانری، (۱۳۷۸)، *معتقدات و آداب ایرانی (از عصر صفویه تا دوره پهلوی)*، مترجم: دکتر مهدی روشن ضمیر، تهران، ناشر: شفیع

— مظفری، سید او طالب، (۱۳۷۸)، پایتخت پری ها شعر معاصر افغانستان، تهران، ناشر:

انجمن شاعران ایران

یاوری، حسین و مسیحا، مریم، (۱۳۸۸)، فرهنگ عامه، تهران، ناشر: آذر